

## در باره روز جهانی تساهل و رواداری

مصاحبه روزنامه "نون" با پروفیسور سید حسین اشراق رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات نبراس در باره

روز جهانی تساهل و رواداری

( ۲۱ جوزا ۱۳۹۹ )

**پرسش نخست:** سهم افغانستان از "روز جهانی تساهل و رواداری" چیست؟

**پاسخ:** سپاسگزارم. چنانچه مستحضر هستید در سال ۱۹۹۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد داد تا ۱۶ نوامبر هر سال را "روز جهانی مدارا" نام گذاری کنند و در دو زمینه یعنی مؤسسات آموزشی و آموزش عمومی فعالیت های شان را برای گسترش مدارا پیش ببرند. در سند نهایی اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ نیز سران دولت ها و حکومت ها در قبال تشویق تحمل، احترام، گفتگو و همکاری در میان فرهنگ ها و تمدن های متفاوت متعهد شدند. از آن زمان تاکنون سالانه در ۱۶ نوامبر، هر سال روز جهانی مدارا پاس داشته می شود. گرچه دنیا به ضرورت مدارا پی برده و حکومت های بسیاری سعی می کنند تا پرمدارا رفتار کنند اما در افغانستان این فضیلت با بی اعتنائی جدی روبروست. شاید حضور ایدئولوژی های خشونت گرا از یک طرف و فقدان فرهنگ و نهادهای مدرن تسهیل کننده از طرف دیگر به این بی مهری ها زمینه داده اند. افزون بر آنها، فرهنگ حذف همچون میراث تاریخی، استبداد سیاسی ساختار یافته، نبود یا کمبود زمینه های انسان شناختی، معرفت شناختی و اخلاقی و سرانجام گستردگی خشونت در جامعه، زمینه این را بوجود آورده اند که متأسفانه در کشور ما در حوزه کار های در خور شأن فضیلت تساهل صورت نگیرد. سهم ما در این زمینه بسیار اندک و حتی تأسف بار است.

**پرسش دوم:** علت اساسی فقدان رفتار متساهلانه و وجود خشونت در جامعه ما چیست؟ از دیدگاه شما آیا مباحثات به داشته های تاریخی، سنت دینی و ادبیات عرفانی در این جغرافیا، می تواند راه نجات «امروز» را رقم بزند و یا به نسخه دیگری باید متوسل شد؟

**پاسخ:** تازه کردنِ خاطراتِ مبتنی بر داشته های تاریخی، آموزه های دینی و ادبیات عرفانی در رابطه با تساهل در کشور کار مبارک است. مشکل جوامع در بی اعتنائی یا کم توجهی به تساهل و مدارا در نداشتن پیشینه های فکری و عملی نیست؛ بلکه در نبود یا کمبود زمینه های انسان شناختی، معرفت شناختی و اخلاقی است. ما نیازمند ارائه تلقی و تعریف درست از انسان و حقوق و آزادی های او، محدودیت های فکری و خطاپذیری و تکالیف اخلاقی او می باشیم. بر این اساس می توان به باروری و خرمی درخت تساهل و مدارا امیدوار بود. جامعه ما در شرایط موجود از تلقی های عام نسبت به انسان شناسی، معرفت شناسی و تکالیف اخلاقی مدرن و مدنی، با دشواری های گوناگون روبروست. با وجود خوشبینی ها جامعه ما، راه درازی را برای گسترش کامل فرهنگ تساهل و مدارا در پیش دارد.

**پرسش سوم:** برای ترویج فرهنگ تساهل و مدارا و مبارزه با پدیده تندروی، به ویژه تندروی دینی، نهادهای ملی از جمله دولت، رسانه‌ها، جامعه مدنی، دانشمندان و نهادهای علمی چه کار درخوری انجام داده است؟ آیا کارکرد این نهادها بسنده و مطلوب بوده است؟ چه کارهایی باید انجام شود؟

**پاسخ:** برای ترویج فرهنگ تساهل با وجود خوش‌نیتی‌های قابل‌تحسین کارهای بزرگ و دگرگون‌ساز صورت نگرفته است، در واقع سرمایه‌گذاری‌های معطوف به "تغییر" در عرصه‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی به گونه‌ی یکدست، منسجم و پایدار از جانب دولت انجام نشده است. اما تلاش‌های جداگانه‌ی شبکه‌های جامعه‌ی مدنی، رسانه‌ها و دانشمندان را با وجود اینکه شایان تقدیر می‌دانیم، کافی، فراگیر و تغییرآفرین ارزیابی نمی‌کنیم. مهمترین کار این است که برای مکاتب، مدارس، نهاد‌های تحصیلات عالی و مراکز پژوهشی در رابطه با تساهل در ساحت‌های تدوین نصاب درسی، پالیسی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، رویکرد‌ها، تولید متون و فرهنگ‌سازی به گونه‌ی منسجم و هدفدار سرمایه‌گذاری هماهنگی‌های آینده‌نگرانه نماییم.

**پرسش چهارم:** شماری از پژوهشگران ریشه‌های خشونت و منازعات درازمدت در افغانستان را در: قرائت‌هایی از اسلام سیاسی، استخبارات منطقه‌ای و قرائت جهان‌گسترانه از شریعت اسلامی می‌دانند، دیدگاه شما در این زمینه چیست؟ کدام یک از مولفه‌ها و مفاهیم ذکر شده نقش کلیدی در تولید و گسترش خشونت و جنگ در جامعه ما را دارد؟.

**پاسخ:** بدون شک، تقلیل سپهر معنوی اسلام به بُعد سیاسی معطوف به "من استعلائی"، سبب گردیده است که فرهنگ و اخلاق به ایدئولوژی تک‌آوا و فاقد احترام به منطق بین‌الذلهانی مبدل گردد، وضعیت ناهنجاری که خرد انتقادی را سرکوب و "مفروضات بنیادین" گروه‌ها در چارچوب ارزشگذاری‌های معطوف به نوستالژی قدرت را توجیه نماید.

امروزه اعمال خشونت بواسطه گروه‌های مدعی بازگشت به گذشته، در حوزه تمدنی ما و کشور ما، قبل از هر چیز دیگر جنبه‌های جامعه‌شناختی و جیوپولیتیک برخوردارند، بنابراین محصول مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی می‌باشند، اما آنها با دادن صبغه‌ی قدسی به خشونت خوانش ویژه‌ای از دین ارائه می‌نمایند و هنجارهای عقلانی را مردود می‌شمارند، به همین جهت به سادگی کشتار می‌کنند و با قساوت بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند. به نظر من استفاده‌ی ابزاری از دین برای رسیدن به قدرت و منفعت، خشونت موجود را دامن زده است، در این میان شبکه‌های استخباراتی نیز از موقعیت بهره می‌برند و در جهت استراتژی‌های امنیت ملی شان شعارهای مذهبی را دستاویز قرار داده و از توسعه نیافتگی جامعه ما استفاده می‌کنند.

**پرسش پنجم:** از دید شما بهترین الگو برای حل منازعات در افغانستان، چه می‌تواند باشد؟.

**پاسخ:** برای غالب شدن صلح در گفتمان ملی، نخست لازم است ذهن انسان‌ها برای صلح آماده شود و تصور منازعه بهترین راه برای حل مشکلات و اختلافات انتخاب نشود. منازعه راه‌حلی ساده‌تر و صلح راه‌حلی پیچیده‌تر دارد، به طوری که برای آغاز جنگ شلیک یک مرمی کافی است، در حالی که برای برقراری صلح سال‌ها تلاش لازم است.

نخستین گام در این باره را تغییر پارادایم و ایجاد فضای فکری مناسب می دانم. باید به همه بیاموزیم که هیچ قومی و هیچ گروهی، قوم و گروه برتر نیستند. گرفتن منابع دیگران به زور و فشار، راه حل زندگی خوب و صلح پایدار نیست. از نظر من مهمترین بسترهای نزاع، وجود کمبودها، فقر، بی عدالتی، توسعه نیافتگی و حکومتداری بد می باشد. بر دولت افغانستان است تا به موازات پیشبرد روند مصالحه، بر مشروعیت و کارآمدی خودش بیاندیشد و توانمندسازی مردم را در دستور کار قرار دهد. ترکیب عرصه های یاد شده (روند مصالحه، ارتقا مشروعیت و کارآمدی دولت و توانمندسازی مردم) در جهت کاهش و سرانجام رفع منازعه در کشور مدد می رساند.

**پرسش ششم:** برای بسترسازی فرهنگ رواداری و مدارا در جامعه و نیز مبارزه با افراط گرایی، جنگ و خشونت چه اقدامی صورت گیرد؟ نسخه بدیل از دید شما در برابر خشونت و تفکر افراطی چیست؟.

**پاسخ:** بسترسازی برای فرهنگ رواداری و مدارا در جامعه و نیز مبارزه با افراط گرایی، راه حل درازمدت را می طلبد، بایستی برای جامعه فارغ از افراطی گری، عرصه های آموزشی، فرهنگی، سرمایه اجتماعی، توسعه ملی و حکومتداری خوب مد نظر باشند. از زاویه های یاد شده بایستی زمینه های تعصب و تبعیض را نشانه گرفت و برای گسترش تفاهم و دوستی، بویژه رواداری در میان گروه های اجتماعی، فرهنگ سازی کرد.

مهم است تا در جهت ترویج و نهادینه ساختن ارج نهادن به تنوع، توانایی زندگی کردن و اجازه زندگی دادن به دیگران، توانایی اختیار کردن عقاید فردی و در عین حال، به رسمیت شناسی دیگران در پابندی به عقاید خود، توانایی استفاده از حقوق و آزادی های فردی بدون تجاوز کردن به حقوق و آزادی های دیگران، رواداری را به عنوان ارزش و فضیلت اخلاقی به عنوان پایه و اساس حقوق بشر و دموکراسی و در نهایت، دستیابی به صلح و عدالت، ترویج کرد و نهادینه نمود.

<https://tolerancediscourse.com>

NEBRAS



NEWS